

The role of parents' self differentiation in predicting high school students' self differentiation

Fateme Asl Dehghan. M.A.

Consulting, University of Alzahra, Tehran, Iran

Hamid Rezaeian Faraji. Ph.D.

Academic member, University of Alzahra, Tehran, Iran

Simin Hosseinian. Ph.D.

Academic member, University of Alzahra, Tehran, Iran

Abstract

The purpose of this study was to explore the role of parent s' self differentiation in predicting high school students' self differentiation. The research was a descriptive correlational study. The population consisted of all high school students of Tehran. For this study a random cluster sampling method was used and 283 high school students were selected. The participants and their parents completed the Differentiation of Self Inventory (short form; Drake, 2011). The results of stepwise regression showed that the component of emotional reactivity of fathers' self-differentiation could predict their sons' self-differentiation (15%), whereas the component of I position of mothers' self-differentiation could predict their sons' self-differentiation (7%). Regarding female students, it was revealed that fathers' fusion with others (7%) and mothers' emotional reactivity (5%) would affect the self-differentiation of them. Other Components of self- differentiation of parents showed no role in this anticipation.

Keywords: high school students, self-differentiation, parents.

نقش مؤلفه‌های تمایز یافتگی والدین در پیش‌بینی تمایز یافتگی دانش آموزان دختر و پسر

فاطمه اصل دهقان*

کارشناس ارشد مشاوره، گروه مشاوره، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران

حمید رضاییان فرجی

استادیار، گروه مشاوره، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران

سیمین حسینیان

استاد گروه مشاوره، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش مؤلفه‌های تمایز یافتگی والدین در پیش‌بینی تمایز یافتگی دانش آموزان دختر و پسر انجام گرفت. پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان دبیرستانی شهر تهران بود که از میان آن‌ها ۲۸۳ دانش آموز به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای- تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. شرکت کنندگان به همراه هر دو والد خود، پرسشنامه فرم کوتاه تمایز یافتگی (دریک، ۲۰۱۱) را تکمیل نمودند. داده‌ها با استفاده از رگرسیون گام‌به‌گام توسط نرم‌افزار SPSS22 مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد از میان مؤلفه‌های تمایز یافتگی والدین، واکنش هیجانی پدران (۱۵ درصد) و موضع من مادران (۷ درصد) تمایز یافتگی پسران را پیش‌بینی می‌کنند. بر اساس دیگر نتایج، مؤلفه‌های همجوشی پدران (۷ درصد) و واکنش هیجانی مادران (۵ درصد) تمایز یافتگی دختران را پیش‌بینی می‌کنند ($P < 0/01$). مؤلفه‌های دیگر تمایز یافتگی والدین در این پیش‌بینی نقشی نداشتند.

واژه‌های کلیدی: تمایز یافتگی، دانش آموزان دبیرستانی، والدین

*. نویسنده مسؤول: a.dehghan546@gmail.com

ووصول: ۹۵/۰۸/۱۵ پذیرش: ۹۷/۰۳/۰۷

مقدمه

برقراری روابط صمیمانه با دیگران است و در بعد درون‌فردی، توانایی شخص در ایجاد تعادل بین تفکر و احساس است به گونه‌ای که بتواند در شرایط هیجانی، به صورت منطقی فکر و عمل کند (راس و مورداک، ۲۰۱۴). مؤلفه‌های واکنش هیجانی و موقعیت من در بعد درون‌فردی قرار دارند بعد بین‌فردی هم شامل مؤلفه‌های هم‌جوشی و گسلس عاطفی است (ایشیک و بولداک، ۲۰۱۵). افراد تمایز یافته تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند و می‌توانند در موقعیت‌های هیجانی شدید که طی آن بسیاری از افراد رفتارهای غیرارادی در تصمیم‌گیری‌شان می‌دهند، کنترل خود را حفظ نموده و با در نظر گرفتن تفکر و منطق تصمیم‌گیری نمایند درحالی‌که افراد با تمایز یافتگی پایین از لحاظ هیجانی با سایرین هم آمیخته‌اند و به دلیل غلبه احساسات در زندگی از توانایی کمی برای تصمیم‌گیری یا حل مشکلاتشان به‌طور مستقل برخوردارند. این افراد سطح اضطراب مزمن بیشتری را تجربه کرده، عملکرد پایین‌تری داشته و از علائم روانی و فیزیولوژیکی بیشتری رنج می‌برند (پلگ و زوآبی، ۲۰۱۴). بر اساس نتایج پژوهش‌ها تمایز یافتگی برای سازگاری روانی و اجتماعی ضروری است و سطوح پایین تمایز یافتگی از لحاظ نظری منجر به مشکلاتی از قبیل اضطراب مزمن، تنش‌های جسمی و روانی و واکنش هیجانی در هنگام تنش می‌شود (جنکینز، بابلز، اسکوارتز و جانسون، ۲۰۰۵). نتایج همچنین نشان می‌دهند که تمایز یافتگی بالا باعث افزایش بهزیستی روان‌شناختی و جسمانی (پلگ و رهال، ۲۰۱۲، راس و مورداک، ۲۰۱۴) و مهارت حل مسئله (امی، ۲۰۰۹) در افراد شده و می‌تواند پیش‌بین سبک‌های هویت (مهری، سالاری، سبزه‌آرای و بهرامی‌زاده‌ها، ۲۰۱۱)، سازگاری اجتماعی (حسینی‌زاده، ۲۰۱۳)، عزت‌نفس (دریک، ۲۰۱۱) و متغیرهای متعدد دیگری باشد و تمایز یافتگی پایین نیز با مشکلات روان‌شناختی، پریشانی روانی، استرس، اضطراب جدایی و اضطراب اجتماعی (کرایکاک، مورداک و مارژالک، ۲۰۱۲؛

نوجوانی دوره‌ای است که طی آن، تغییرات قابل‌توجهی در مغز، رفتار و عملکرد روانی روی می‌دهد. در این دوره فرد تلاش می‌کند خود را از خانواده اصلی متمایز سازد و کمتر به آن‌ها وابسته باشد. نوجوانان می‌کوشند تمایلات و تعاملات خود را بیشتر به سمت همسالان هدایت کنند (یانگ، فالینگنی، گالوند و تلزرا، ۲۰۱۵). دوران نوجوانی با تضادها توصیف می‌شود و نوجوان در این دوران دچار نوعی کشمکش درونی است؛ او چندان تمایل ندارد تا پیوندهای خانوادگی را کاملاً قطع نماید و نیاز به حمایت والدین را در هر حال احساس می‌نماید و همواره در جست‌وجوی روش‌هایی است که این حمایت را کسب نماید. این تلاش برای کسب استقلال و همچنین حفظ حمایت از جانب خانواده از مصداق‌های مفهوم خودتمایز سازی است (سلطانی علی‌آباد، امیرجان، یونسی، ازخوش و عسگری، ۱۳۹۱).

موری بوئن^۲ (۱۹۷۶) مبدع نظریه نظام‌های خانواده است. او عقیده دارد نوعی نظام عاطفی بر ساختار خانواده حاکم است که قابلیت بین‌نسلی داشته و سلامت روانی فرد در گرو سطح تفکیک و جدایی وی از این نظام است (کاظمیان و دلاور، ۱۳۹۰). بوئن (۱۹۷۸) تمایز یافتگی^۳ را توانایی یک فرد در تفکیک احساسی و فیزیکی از خانواده خود و همین‌طور رسیدن به استقلال عاطفی، در عین ماندن در جو عاطفی خانواده تعریف می‌کند. تمایز یافتگی خود پلی است برای فهم وضعیت وابستگی متقابل افراد و بیانگر میزان توانایی فرد برای تعادل بین تفکر و احساس و بین صمیمیت و استقلال در خانواده است (لام و چانسو، ۲۰۱۵). تمایز یافتگی از ۴ مؤلفه تشکیل یافته است: موقعیت من^۵، واکنش هیجانی^۶، هم‌جوشی^۷ (امتزاج) و گسلس عاطفی^۸. تمایز یافتگی را می‌توان در دو بعد بین‌فردی و درون‌فردی بررسی کرد. در بعد بین‌فردی، تمایز یافتگی خود به معنای توانایی یک شخص در حفظ فردیت و استقلال خود، باوجود

1. Yang, Fuligni, Galvan & Telzera
3. Differentiation of Self
5. I position
7. fusion with others
9. Ross & Murdock
11. Peleg & Zoabi
13. Rahal
15. Drake

2. Murry Bowen
4. Lam & Chan-So
6. emotional reactivity
8. emotional cutoff
10. Ishik & Bulduk
12. Jenkins, Buboltz, Schwartz & Johnson
14. Amie
16. Krycak, Murdock & Marszalek

وجود دارد (بابای خاکیان، زکی‌بی، نقشینه، ۱۳۹۴؛ پلگ و همکاران، ۲۰۰۶؛ اسکورون، ۲۰۰۵). نتیجه پژوهش محسنی (۱۳۹۳) رابطه بین خودتمایزسازی مادران و تعارض والد-فرزندی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را تأیید کرد.

امروزه مسئله‌ای که در میان بسیاری از خانواده‌ها دیده می‌شود فاصله‌گیری عاطفی نوجوانان از والدین است (رحیمی، آشفته تهرانی و حضرتی صومعه، ۱۳۹۰). این مسئله مفهوم اصلی تمایز یافتگی یعنی تعادل یا عدم تعادل میان صمیمیت و استقلال را در ذهن متبادر می‌سازد، از سویی علیرغم اهمیت فراوان تمایز یافتگی، جستجوی محقق در مقالات و منابع تحقیقاتی داخلی، از کمبود پژوهش در زمینه عوامل مؤثر بر آن به‌ویژه نقش جنسیت در تمایز یافتگی نوجوانان خبر می‌دهد. به‌علاوه در پژوهش‌هایی که به نحوی با موضوع پژوهش در ارتباط بوده‌اند، معمولاً یکی از اعضای خانواده به‌تنهایی یا فرزند و تنها یک والد و در غالب موارد مادر مورد مطالعه قرار گرفته و نقش پدر کمتر مورد توجه بوده است، اما در پژوهش حاضر، علاوه بر نوجوان، هر دو والد مورد بررسی قرار می‌گیرند. با استناد به نظریه بوئن و نتایج پژوهش‌ها مبنی بر نقش والدین در شخصیت فرزندان، این سؤال در ذهن پژوهشگر شکل گرفت که: تمایز یافتگی پدران و مادران با تمایز یافتگی فرزندان چه رابطه‌ای دارند و در هر جنس کدام‌یک از مؤلفه‌های تمایز یافتگی والدین نقش دارد. از این‌رو پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تمایز یافتگی والدین در پیش‌بینی تمایز یافتگی فرزندان از انجام گرفت و فرضیه‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. مؤلفه‌های تمایز یافتگی پدران در پیش‌بینی تمایز یافتگی فرزندان دختر و پسر نقش دارد.

۲. مؤلفه‌های تمایز یافتگی مادران در پیش‌بینی تمایز یافتگی فرزندان دختر و پسر نقش دارد.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش، کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر تهران می‌باشند که در

پلگ و ایزهاک^۱، (۲۰۱۱)، ناسازگاری، سوء مصرف مواد، اجتناب و بی‌اعتمادی (مؤمنی و علیخانی، ۱۳۹۲) رابطه دارد.

بر طبق نظریه نظام‌های خانواده، تمایز یافتگی یک سازه روان‌شناختی است که چهارچوبی را فراهم می‌کند که بدان وسیله نقش روابط والد - فرزندی در تجربیات استرس و اضطراب اعضای خانواده بهتر درک شود (پلگ، حلبی و وابی^۲، ۲۰۰۶). اریکسون^۳ معتقد است بخشی از سردرگمی‌ها و آشفتگی‌های دوره نوجوانی از والدینی ناشی می‌شود که ارزش‌های قابل اطمینانی برای خود ندارند و قادر به هدایت فرزندان خود نیستند، این والدین سردرگمی نقش را در فرزندان نشان ایجاد می‌کنند؛ درحالی‌که والدینی که خود تمایز یافتگی را تجربه می‌کنند در فرزندانشان احساسی ایجاد می‌کنند تا خود را کسی بپندارند که علیرغم اینکه جزء لاینفک خانواده‌اند، استقلال و تأثیرگذاری خود را تجربه کنند (رایکمن^۴، ۱۳۸۷ به نقل از یگانه فرزند، ۱۳۹۲). یافته‌های متعددی حکایت از این دارد که وجود مشکلات شخصیتی نوجوانان با شیوه‌ها و تعاملات معیوب والدین با فرزندان ارتباط دارد. تحقیقات نیز نشان داده‌اند که ۵۰ درصد از واریانس اغلب ویژگی‌های روان‌شناختی بر اساس عوامل محیطی پیش‌بینی می‌شوند و از بین مهم‌ترین این عوامل می‌توان به ویژگی‌های هنجاری روان‌شناختی والد کودک، تنیدگی‌ها و مشکلات متداول خانوادگی اشاره کرد (راتر^۵، ۱۹۹۹، به نقل از پیوسته‌گر، بشارت، پژوهی‌نیا و سیفی، ۱۳۹۱؛ بارتل هارینگ، بروکر و هوک^۶، ۲۰۰۲؛ رولفر، میسترز و موریس^۷، ۲۰۰۸). پژوهش‌های بلیاد، ناهیدپور، آزادی و یادگاری (۱۳۹۳)، تابیتا^۸ (۲۰۱۴)، مؤمنی و علیخانی (۱۳۹۳)، چانگ و گیل^۹ (۲۰۰۹) نشان می‌دهد تمایز یافتگی فرزندان با عملکرد والدین در خانواده رابطه دارد. اسکوارتز، تیگپن و مونتگوموری^{۱۰} (۲۰۰۶) در پژوهشی دریافتند سبک‌های فرزند پروری والدین پیش‌بینی کننده تمایز یافتگی فرزندان می‌باشند. از سوی دیگر، نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد میان تمایز یافتگی مادران با اختلالات رفتاری، اضطراب، افسردگی و قابلیت‌های عملکردی و شناختی فرزندان رابطه

1. Yitzhak
3. Erikson
5. Rutter
7. Roelofs, Meesters, & Muris
9. Chung, & Gale

2. Peleg, Halaby & Whaby
4. Raykman
6. Bartle-Haring, Brucker, & Hock
8. Tabitha
10. Schwartz, Thigpen & Montgomery

(دریک، ۲۰۱۱) بود. فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی (دریک، ۲۰۱۱) یک مقیاس ۲۰ گویه‌ای بر اساس پرسشنامه تجدید نظر شده اسکورون و اسمیت^۱ (۲۰۰۳) است. شرکت‌کنندگان به این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت ۶ گزینه‌ای از کاملاً نادرست (نمره یک) تا کاملاً درست (نمره شش) پاسخ می‌دهند. به‌جز گویه‌های ۱، ۳، ۱۰، ۱۲ و ۲۰ سایر گویه‌ها به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. این پرسشنامه چهار خرده‌مقیاس دارد که عوامل درون روانی شامل موقعیت من و واکنش‌پذیری هیجانی و عوامل بین فردی شامل گریز عاطفی و هم‌جوشی با دیگران را اندازه‌گیری می‌کند. با به دست آوردن مجموع نمرات مربوط به گویه‌های هر خرده‌مقیاس چهار نمره برای هر کدام از خرده‌مقیاس‌ها محاسبه می‌شود و مجموع کل نمرات، نمره کلی تمایز یافتگی محسوب می‌شود. نمره بالا در مقیاس کل و موضع من، نشانگر تمایز بالا و موضع من مستحکم‌تر است و نمرات بالا در مقیاس‌های واکنش‌پذیری هیجانی، گریز عاطفی و هم‌جوشی با دیگران بیانگر واکنش هیجانی، گریز عاطفی و هم‌جوشی کمتر است. نمونه‌هایی از گویه‌های مقیاس بدین گونه‌اند: "وقتی که دیگران بیش از حد به من نزدیک شوند، من دوست دارم از آن‌ها فاصله بگیرم" و "وقتی احساساتم بر من حاکم است، به‌سختی می‌توانم فکر کنم". دریک (۲۰۱۱) پایایی این پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به دست آورد. روایی ملاکی همزمان پرسشنامه با استفاده از رابطه آن با افسردگی، اضطراب حالت، اضطراب صفت، استرس و عزت‌نفس بررسی شد و مشخص شد سازه تمایز یافتگی با عزت‌نفس رابطه مثبت و با افسردگی، اضطراب حالت، اضطراب صفت و استرس رابطه منفی دارد. در ایران نیز فخاری، لطیفیان و اعتماد (۱۳۹۳) ضریب پایایی کل مقیاس را با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۸ محاسبه کردند و روایی ملاکی همزمان نیز با اثبات رابطه آن با زیرمقیاس‌های سلامت عمومی تأیید شد. در پژوهش حاضر با روش آلفای کرونباخ پایایی کل مقیاس، ۰/۷۶ محاسبه شد و برای خرده‌مقیاس‌های موقعیت من، هم‌آمیختگی، گسلس عاطفی و واکنش هیجانی به ترتیب ضرایب آلفای ۰/۶۰، ۰/۶۳، ۰/۷۸، ۰/۶۲ به دست آمد.

پایه‌های اول، دوم و سوم دبیرستان مشغول به تحصیل بوده‌اند. از این میان تعداد ۳۵۰ نفر از دانش‌آموزان به روش خوشه‌ای-تصادفی چندمرحله‌ای به‌عنوان نمونه انتخاب شدند و به همراه والدین خود در پژوهش شرکت نمودند. به این نحو که ابتدا از میان مناطق ۲۲گانه شهر تهران، ۴ منطقه در نظر گرفته شد و در مرحله بعد یک دبیرستان دخترانه و یک دبیرستان پسرانه از هر منطقه انتخاب گردید و سپس با مراجعه به هر دبیرستان، سه کلاس به‌صورت تصادفی انتخاب و اقدام به توزیع پرسشنامه‌ها گردید. شرط شرکت در این پژوهش برای دانش‌آموزان زندگی در کنار هر دو والد بود. شرط شرکت والدین نیز، تحصیلات بالاتر از راهنمایی در نظر گرفته شد. لازم به ذکر است با افت ۶۷ آزمودنی در مراحل مختلف پژوهش که اغلب به این دلیل که تنها توسط یکی از والدین پاسخ داده شده بود کنار گذاشته شد، در نهایت تعداد ۲۸۳ نفر از دانش‌آموزان (۱۲۶ پسر و ۱۵۷ دختر) به همراه والدین خود در این پژوهش شرکت داشتند (در مجموع ۸۴۹ والد و فرزند) که دانش‌آموزان در مدرسه به سؤالات پاسخ داده و پکیج والدین در جلساتی که از طرف مدیران دبیرستان‌ها جهت اهداف آموزش خانواده تدارک دیده شده بود، در اختیار والدین حاضر در جلسات قرار گرفت و پس از توضیحاتی درباره اهداف پژوهش و دستورالعمل اجرا و اطمینان‌دهی از رازداری، یکی از پاکت‌های پرسشنامه‌ها، به‌صورت حضوری تکمیل و جمع‌آوری گردید و پرسشنامه والد دیگر، در منزل تکمیل و در پاکت در بسته به پژوهشگر تحویل داده شد. پس از جمع‌آوری کلیه پاسخنامه‌ها و نمره‌گذاری آن‌ها، میانگین نمرات والدینی که پرسشنامه‌ها را به‌صورت حضوری تکمیل نموده و والدینی که در منزل به سؤالات پاسخ داده بودند با هم مقایسه شد. نتیجه تفاوت معناداری نشان نداد. از این‌رو تمامی پرسشنامه‌های تکمیل شده در منزل نیز در تحلیل داده‌ها لحاظ شد.

ابزار سنجش

ابزار به‌کاررفته در این پژوهش پرسشنامه‌های جمعیت شناختی شامل سن و جنسیت و میزان تحصیلات، فرم رضایت شرکت در پژوهش و فرم کوتاه مقیاس تمایز یافتگی^۱

یافته‌ها

به‌منظور تحلیل داده‌های پژوهش از رگرسیون چندگانه به شیوه گام‌به‌گام استفاده شد.

جدول ۱. خلاصه تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام به‌منظور پیش‌بینی تمایز یافتگی فرزندان از مؤلفه‌های تمایز یافتگی پدران

متغیر ملاک	گام‌ها	متغیر پیش‌بین	R	R ²	AdR ²	B	β	F	sig
تمایز یافتگی پسران	گام ۱	واکنش هیجانی پدر	۰/۳۸	۰/۱۶	۰/۱۵	۰/۸۹	۰/۲۵	۱۸/۹۱	۰/۰۰۱
تمایز یافتگی دختران	گام ۱	همجوشی پدر	۰/۲۵	۰/۰۸	۰/۰۷	۰/۹۱	۰/۳۸	۱۰/۱۱	۰/۰۰۲

برای پیش‌بینی تمایز یافتگی فرزندان دختر از مؤلفه‌های تمایز یافتگی پدر، مؤلفه همجوشی پدر وارد معادله شد و توانست ۷ درصد از تغییرات واریانس تمایز یافتگی فرزندان دختر را پیش‌بینی کند ($P < 0/01$). مؤلفه‌های واکنش هیجانی، گریز عاطفی و موضع من پدران قدرت پیش‌بینی تمایز یافتگی دختران را نداشتند. بر این اساس فرضیه اول پژوهش تأیید شد.

برای بررسی فرضیه اول، معادله رگرسیون برای پسران و دختران به‌صورت جداگانه انجام شد. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون در جدول ۱ نشان می‌دهد جهت پیش‌بینی تمایز یافتگی پسران از مؤلفه‌های تمایز یافتگی پدر، واکنش هیجانی پدر وارد معادله رگرسیون شد و توانست ۱۵ درصد از تغییرات تمایز یافتگی را در فرزندان پسر پیش‌بینی کند ($P < 0/01$). مؤلفه‌های همجوشی، گریز عاطفی و موضع من پدران قدرت پیش‌بینی تمایز یافتگی پسران را نداشتند.

جدول ۲. خلاصه تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام به‌منظور پیش‌بینی تمایز یافتگی پسران و دختران از مؤلفه‌های تمایز یافتگی مادران

متغیر ملاک	گام‌ها	متغیر پیش‌بین	R	R ²	AdR ²	B	β	F	sig
تمایز یافتگی پسران	گام ۱	موضع من مادر	۰/۲۸	۰/۰۸	۰/۰۷	۰/۷۲	۰/۲۸	۱۰/۰۴	۰/۰۰۲
تمایز یافتگی دختران	گام ۱	واکنش هیجانی مادر	۰/۲۲	۰/۰۶	۰/۰۵	۰/۵۰	۰/۲۱	۷/۵۶	۰/۰۰۴

تمایز یافتگی فرزندان دختر را پیش‌بینی کند ($P < 0/01$). مؤلفه‌های همجوشی، گریز عاطفی و موضع من مادران قدرت پیش‌بینی تمایز یافتگی دختران را نداشتند. بر اساس نتایج، مؤلفه‌هایی از تمایز یافتگی مادر که در پیش‌بینی تمایز یافتگی فرزندان نقش دارند در هر دختران و پسران تفاوت دارد و توان تبیین هر یک نیز متفاوت است. بر این اساس فرضیه دوم نیز تأیید شد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف مطالعه نقش مؤلفه‌های تمایز یافتگی والدین در پیش‌بینی تمایز یافتگی فرزندان انجام گرفت. نتایج نشان داد تمایز یافتگی پدران ۱۵ درصد تمایز یافتگی پسران و ۷ درصد تمایز یافتگی دختران را پیش‌بینی می‌کند. نکته جالب

به‌منظور پیش‌بینی تمایز یافتگی پسران و دختران از مؤلفه‌های تمایز یافتگی مادران (فرضیه دوم) نیز از روش رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد. بر اساس نتایج در جدول ۲ در پیش‌بینی تمایز یافتگی فرزندان پسر از مؤلفه‌های تمایز یافتگی مادر، در گام اول مؤلفه موضع من مادر وارد معادله رگرسیون شد و توانست ۷ درصد از تغییرات تمایز یافتگی را در فرزندان پسر پیش‌بینی کند. نقش مؤلفه‌های واکنش هیجانی، گریز عاطفی و همجوشی مادران در این پیش‌بینی تأیید نشد.

برای آزمون پیش‌بینی تمایز یافتگی فرزندان دختر از مؤلفه‌های تمایز یافتگی مادر، مؤلفه واکنش هیجانی مادر وارد معادله شد و توانست ۵ درصد از تغییرات واریانس

که در بسیاری از مادران منجر به بروز رفتارهای غیرارادی و گرفتن تصمیمات آنی می‌شود، کنترل خود را از دست ندهند و با در نظر گرفتن عواقب و جوانب منطقی تصمیم‌گیری کنند.

یافته‌های اخیر پژوهش نشان داد دختران در فرایند تمایز یافتگی، کمتر از پسران از والدین خود تأثیر می‌پذیرند. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت تمایز یافتگی هم دارای بعد درون فردی و هم بعد بین فردی است (راس و موردک، ۲۰۱۴) و دختران نوجوان روابط عاطفی بیشتری با همسالان و دوستان خود برقرار کرده و این روابط را در محیط مدرسه نیز بسط می‌دهند و به نظر می‌رسد در کنار نقش مادران از همسالان خود نیز تأثیر می‌پذیرند؛ این در حالی است که در این دوره سنی، پسران نوجوان روابط عاطفی و هیجانی عمیق با اطرافیان غیر نزدیک را کمتر تجربه می‌کنند. همان‌طور که بوئن (۱۹۷۸) معتقد است تمایز یافتگی یک فرایند است نه یک هدف قابل حصول، لذا احتمالاً تمایز یافتگی کسب شده در دوره نوجوانی، پایدار نیست و با تأثیر از سن، عوامل محیطی، روابط آینده و عوامل دیگر تغییر خواهد کرد. یافته‌های پژوهش حاضر لزوم پژوهش‌های بیشتر را در زمینه نقش تربیتی پدران در خانواده نشان می‌دهد. با اینکه در برخی پژوهش‌ها به این موضوع پرداخته شده است لیکن تعداد آن‌ها محدود و اندک است، درحالی‌که پدران علاوه بر اینکه در ۵۰ درصد از ژن‌های کودکانشان سهم هستند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق تعاملات با کودکان و حضور در خانواده نقش فعالی در رشد فرزندان دارند.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر این بود که در راستای هدف پژوهش، لازم بود تا فرزندان به همراه هر دو والد خود به پرسشنامه‌ها پاسخ دهند، لیکن علیرغم تمهیدات در نظر گرفته شده به‌منظور مشارکت حضوری و همزمان پدران و مادران به دلایلی نظیر همزمانی ساعات کاری پدران با زمان حضور در مدارس، این امر میسر نشد. در این پژوهش، جمعیت مورد مطالعه، دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران بودند و تعمیم نتایج آن به جمعیت‌های دیگر با محدودیت روبه‌روست.

در راستای یافته‌های این مطالعه، به مشاوران خانواده و مدارس توصیه می‌شود در مسائل مربوط به نوجوانان علاوه بر نقش خانواده، ویژگی‌های فردی والدین نیز مورد لحاظ قرار

توجه این بود که در تمایز یافتگی پسران فقط مؤلفه واکنش هیجانی پدر و در تمایز یافتگی دختران تنها مؤلفه همجوشی پدر نقش دارد. این یافته‌ها با پژوهش‌های تابشا (۲۰۱۴)، رولفز و همکاران (۲۰۰۸)، اسکوارتز و همکاران (۲۰۰۶) و بارتل هارینگ و همکاران (۲۰۰۲) همسو است. دیگر نتایج نشان می‌دهد مؤلفه موضع من مادران تمایز یافتگی در پسران را به میزان ۷ درصد و مؤلفه واکنش هیجانی مادران، تمایز یافتگی دختران را به میزان ۵ درصد پیش‌بینی می‌کند. این یافته‌ها با پژوهش‌های تابشا (۲۰۱۴)، پلگ و همکاران (۲۰۰۶)، اسکورون (۲۰۰۵)، بارتل هارینگ و همکاران (۲۰۰۲)، بابای خاکیان و همکاران (۱۳۹۴) و محسنی (۱۳۹۳) همسو و با پژوهش اسکوارتز و همکاران (۲۰۰۶) ناهمسو است. نتایج پژوهش اسکوارتز و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد تمایز یافتگی پسران از هر دو والد تأثیر می‌پذیرد اما تمایز یافتگی دختران بیشتر تحت تأثیر مادر قرار می‌گیرد.

در تبیین یافته‌ اول می‌توان به فرایند همانندسازی نوجوانان پسر با پدران خود اشاره کرد. فرزندان پسر به‌خصوص در سنین نوجوانی در پی یافتن فردیت و استقلال و برای نشان دادن آمادگی این استقلال، سعی می‌کنند تا خود را بیشتر با پدر همانند کرده و با الگوگیری و پیروی از رفتارهای آن‌ها روش‌های کسب استقلال را بیاموزند و این مشاهدات و الگوگیری کم‌کم در وجود آن‌ها نهادینه می‌شود. از سویی دختران نسبت به پسران عاطفی‌تر بوده و تمایل به همجوشی بیشتر نسبت به پدر دارند که می‌تواند مؤید نظر فروید در زمینه عقده ادیپ باشد.

در تبیین یافته دوم می‌توان این‌گونه استدلال کرد که همان‌طور که بارتل هارینگ و همکاران (۲۰۰۲) نشان دادند ادراک از مادران با موضع من بالاتر یک پایگاه امن را برای پسران متصور می‌سازد. تمایز یافتگی خود به‌عنوان توانایی برقراری تعادل بین خودمختاری هیجانی و عقلانی، صمیمیت و پیوستگی در روابط توصیف می‌شود و مادری که دارای تمایز یافتگی بالا باشد بهتر می‌تواند با فرزند خود رابطه عاطفی و عقلانی برقرار کند، نیازهای هیجانی او را تشخیص دهد و در زمان لازم خودمختاری او را به رسمیت بشناسد. بابای خاکیان و همکاران (۱۳۹۴) معتقدند مادران تمایز یافته می‌توانند جهت خود را در زندگی انتخاب کنند و در موقعیت‌های شدیداً عاطفی (مثلاً عصبانیت از رفتار نوجوان)

دوره راهنمایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی. مؤمنی، خ؛ و علیخانی، م. (۱۳۹۲). رابطه عملکرد خانواده، تمایز یافتگی خود و تاب‌آوری با استرس، اضطراب و افسردگی در زنان متأهل شهر کرمانشاه. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۳ (۲۹)، ۲۹۷-۳۲۰. یگانه فرزند، ه. (۱۳۹۲). *اثر بخشی آموزش تحلیل تبادل بر افزایش خود تمایز یافتگی مادر و فرزند*. پایان‌نامه ارشد مشاوره خانواده، دانشکده مشاوره، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

- Amie, A. (2009). *Identity development and implication for social problem solving*. (phddisertation), University of Houston. (p:78).
- Bartle-Haring, S., Brucker, P., & Hock, E. (2002). The Impact of Parental Separation Anxiety on Identity Development in Late Adolescence and Early Adulthood. *Journal of Adolescent Research*, 17 (5), 439-450.
- Bowen, M. (1978). *Family therapy in clinical practice*. New York: Jason Aronson.
- Chung, H., & Gale, J. (2009). Family Functioning and Self-Differentiation: A Cross-Cultural Examination. *Contemporary Family Therapy*, 31, 19-33.
- Drake, J. R. (2011). *Differentiation of Self Inventory Short Form: Creation and Initial Evidence Construct Validity*. (Phd disertation), University of Missouri-Kansas City.
- Hosseinizadeh, M. (2014). Examining the Relationship between Differentiation of Self Components and Social Adjustment. *Social and Behavioral Sciences*, 113, 84 – 90.
- Isik, E., & Bulduk, S. (2015). Psychometric Propertise of the Differentiation of Self Inventory -Revised in Turkish Adults *Journal of Marital and Family Therapy*, 41, (1), 102–112.
- Jenkins, S. M., Buboltz Jr, W. C., Schwartz, J. P., & Johnson, P. (2005). Differentiation of Self and Psychosocial Development. *Contemporary Family Therapy*, 27(2), 251-261.
- Krycak, R. C., Murdock, N. L., & Marszalek, J. M. (2012). Differentiation of Self, Stress, and Emotional Support as Predictors of Psychological Distress. *Contemporary Family Therapy*, 34, 495–515.
- Lam, C., & Chan-So, P. C. Y. (2015). Validation of the CHINESE Version of Differentiation of Self Inventory (C-DSI). *Journal of Marital and Family Therapy*, 41(1), 81-101.
- Mehri, Y., Salaria, S. M., SabzharayeLangroudi, M., & Baharamizadeha, H. (2011). The relationship between differentiation of self and aspects of identity. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 30, 733-737.
- Peleg, O., Halaby, E., & Whaby, E. N. (2006). The relationship of maternal separation anxiety and differentiation of self to children's separation

گیرد. با توجه به اهمیت وافر تمایز یافتگی در زندگی مطلوب‌تر و مشکلات کمتر، ارائه آموزش‌های خانواده در جهت ارتقای تمایز یافتگی والدین توصیه می‌گردد، زیرا می‌توان اثرات مستقیم و غیرمستقیم آن را در سلامت خانواده‌ها و فرزندان مشاهده کرد. افزایش تمایز یافتگی والدین علاوه بر اینکه به صورت مستقیم، سبب ارتقای تمایز یافتگی در فرزندان خواهد شد و با تأثیر بر ابعاد مختلف سیستم خانواده نظیر عملکرد، انعطاف‌پذیری، کاهش تعارضات زوجین و... به صورت غیرمستقیم از آسیب‌های روانی فرزندان پیشگیری نموده و بهزیستی اعضای خانواده و در نتیجه، جامعه را در پی خواهد شد.

منابع

- بابای خاکیان، ز؛ زکی‌بی، ع؛ نقشینه، ط. (۱۳۹۴). رابطه تمایز یافتگی خود در مادران و همبستگی خانوادگی با اختلالات رفتاری کودکان. *مجله پزشکی ارومیه*، ۲۶ (۴)، ۳۳۴-۳۴۳.
- بلیاد، م؛ ناهیدپور، ف؛ آزادی، ش؛ یادگاری. (۱۳۹۳). نقش خانواده اصلی در تمایز خود و تعارضات زناشویی. *روان پرستاری*، ۲ (۲)، ۸۱-۹۱.
- پیوسته گر، م؛ بشارت، م؛ پژوهی‌نیا، ش؛ و سیفی، م. (۱۳۹۱). تبیین آسیب‌پذیری‌های روانی بر اساس سبک‌های دلبستگی در دانشجویان دانشگاه‌های مختلط دولتی تهران، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۳ (۱)، ۳۸-۲۹.
- رحیمی، م، آشفته تهرانی، ا. و حضرتی صومعه، ز. (۱۳۹۰). عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف بین نسلی. *مطالعات جامعه‌شناختی ایران*، ۳۱ (۳)، ۷۹-۹۸.
- سلطانی علی‌آباد، م؛ امیرجان، س؛ یونسسی، ج؛ ازخوش، م؛ عسگری، ع. (۱۳۹۱). اثر بخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر سطح خود تمایز سازی پسران نوجوان. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۲ (۴۴)، ۹۲-۶۹.
- فخاری، ن؛ لطیفیان، م؛ و اعتماد، ج. (۱۳۹۳). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی خود در دانشجویان ایرانی، *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۱۵ (۵)، ۵۷-۳۵.
- کاظمیان، س؛ و دلاور، ع. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین تمایز یافتگی با میزان تمایل به اعتیاد در مردان متأهل، *فصلنامه نظم و امنیت انتظامی*، ۴ (۴)، ۱۱۵-۱۰۵.
- محسنی، ه. (۱۳۹۳). *بررسی رابطه بین خود تمایز سازی مادران با تعارض والد فرزندی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر*

- anxiety and adjustment to kindergarten: A study in Druze families. *Anxiety Disorders*, 20, 973–995.
- Peleg, O., & Yitzhak, M. (2011). Differentiation of Self and Separation Anxiety: Is There a Similarity Between Spouses? *Contemporara Family Therapy*, 33, 25–36.
- Peleg, O., & Rahal, A. (2012). Physiological symptoms and differentiation of self: A cross-cultural examination. *International Journal of Intercultural Relations*, 36, 719–727.
- Peleg, O., & Zoabi, M. (2014). Social anxiety and differentiation of self: A comparison of Jewish and Arab college students. *Personality and Individual Differences*, 68, 221–228.
- Roelofs, J., Meesters, C., & Muris, P. (2008). Correlates of Self-reported Attachment (In)security in Children: The Role of Parental Romantic Attachment Status and Rearing Behaviors. *Journal of Child and Family Studies*, 17, 555–566.
- Ross, A. S., & Murdock, N. L. (2014). Differentiation of Self and Well-being: The Moderating Effect of Self-construal. *Contemporary Family Therapy*, 36, 485–496.
- Schwartz, J. P., Thigpen, S. E., & Montgomery, J. K. (2006). Examination of Parenting Styles of Processing Emotions and Differentiation of Self. *The Family Journal: Counseling and Therapt for Couples and Familys*, 14(1), 41–48.
- Skowron, E. A. (2005). Parent Differentiation of Self and Child Competence in Low-Income Urban Families. *Journal of counseling Psychology*, 52(3), 337–346.
- Tabitha, Y. I. (2014). Spirituality and Differentiation of Self of Parents Living in the city of Sadness. *Mental Health, Religion & Culture*, 17(7), 655–664.
- Yang, Q., Fuligni, J., Galvanb, A., & Telzera, E. H. (2015). Buffering effect of positive parent–child relationships on adolescent risk taking: A longitudinal neuroimaging investigation. *Developmental Cognitive Neuroscience*, 15, 26–34.